

اعلامیه مطبوعاتی

تنگه هرمز: از سردرگمی ترامپ تا آشکارشدن قدرت راهبردی سرزمین‌های اسلامی

(ترجمه)

ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، تا امروز همچنان در اظهاراتی متناقض و سردرگم دست‌وپا می‌زند؛ گاهی از بازگشایی تنگه هرمز سخن می‌گوید، گاهی دیگر ادعا می‌کند که بسته‌ماندن آن برایش اهمیتی ندارد، و زمانی دیگر از کشورهای جهان و اروپا التماس‌گونه می‌خواهد تا در بازگشایی آن با آمریکا همکاری کنند. سپس از اعزام ناوشکن‌های نظامی در قالب آنچه «پروژه آزادی» نامید خبر می‌دهد تا تنگه هرمز را باز کند، اما یک روز بعد، پس از آن‌که کشتی‌هایش با مقاومت نیروی دریایی ایران روبه‌رو می‌شوند، توقف «پروژه آزادی» را اعلام می‌کند. بعد از آن از احتمال راه‌اندازی «پروژه آزادی پلاس» سخن می‌زند، سپس تهدید می‌کند که شاید جنگ را تا دو هفته دیگر از سر بگیرد و بعد از بازگشت از چین دوباره درباره واردکردن ضربات نظامی به ایران صحبت می‌کند، و این روند همچنان ادامه دارد...

این وضعیت، نشان‌دهنده سردرگمی آشکار اداره آمریکا و ناتوانی آن در وادارکردن ایران به تسلیم از راه زور است؛ با وجود تمام تجمعات نظامی، امکانات و توانایی‌هایی که ترامپ بارها و بارها به آن‌ها فخر فروخته است. در مقابل، بسته‌شدن تنگه هرمز منافع آمریکا و غرب را مختل ساخته و بار دیگر به جهان، از شرق تا غرب، یادآوری کرده است که شریان‌های حیات اقتصادی دولت‌های غربی و صنعتی از سرزمین‌های اسلامی عبور می‌کند؛ چیزی که به امت اسلامی جایگاهی ژئوپولیتیکی کم‌نظیر می‌بخشد. از تنگه هرمز بیش از یک‌سوم نفت خامی که از راه دریا به سراسر جهان منتقل می‌شود عبور می‌کند و سهم آن به حدود ۳۸ درصد از تأمینات نفتی جهان می‌رسد؛ افزون بر آن، گاز، کودهای کیمیایی، مواد کیمیایی و بسیاری دیگر از کالاها نیز از این مسیر عبور می‌کنند که همگی بر حیات اقتصادی جهان تأثیر مستقیم دارند. این وضعیت سبب افزایش تورم، بالا رفتن قیمت‌ها و آسیب‌دیدن زنجیره‌های تأمین جهانی شده است.

این تنها نمونه‌ای از توانایی امت اسلامی و سرزمین‌های آن است؛ امت و سرزمین‌هایی که با دراختیارداشتن ارتش‌ها، تنگه‌ها، موقعیت‌های جغرافیایی و ثروت‌های طبیعی، قدرت آن را دارند که تأثیری نیرومند بر دولت‌های جهان بگذارند.

برای امت اسلامی همین بس که دارای ملت‌های استوار، موقعیت جغرافیایی ممتاز و توانایی تسلط بر زنجیره‌های تأمین جهانی است؛ و نیز منابع عظیم انرژی چون نفت و گاز را در اختیار دارد که شریان حیات اقتصادی، به‌ویژه برای دولت‌های صنعتی، به شمار می‌روند. این عوامل، سرزمین‌های اسلامی را ذاتاً به سرزمین‌هایی نیرومند تبدیل می‌کند که توان تحمل استقلال، بازپس‌گیری اراده و تحقق منافع خویش را دارند؛ و اگر این امت عزم خود را جزم کند، می‌تواند دست برتر را بر غربی داشته باشد که در طول دهه‌های گذشته آن را استعمار و تحقیر کرده است.

اگر این گروه از حکام سست‌عنصر و سازش‌کار نبودند که منافع و مقدرات امت را بر باد دادند و این توهمات دروغین را پخش کردند که گویا امت اسلامی ضعیف است و توان مقابله با غرب و قدرت آن را ندارد، بدون تردید امت می‌توانست استقلال خود را از غرب استعمارگر تحمیل کند و در مسیر نهضت و رهایی گام بردارد. همین واقعیت، این باور را تقویت می‌کند که امت اسلامی باید با شتاب به سوی بیعت با خلیفه‌ای راشد حرکت کند؛ خلیفه‌ای که معادله را دگرگون ساخته، توازن قدرت را اصلاح کند و جایگاه، عزت و رهبری امت را در جهان دوباره به آن بازگرداند.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر